

روایتی دیگر از بحران کتاب

تشکیل همه‌ساله نمایشگاه بین‌المللی کتاب اقدام بجائی است که با تمرکز چندین هزار عنوان کتاب (چه برای فروش و چه برای نمایش) بهترین امکان را جهت آشنائی با این کتابها یا خرید آنها بوجود می‌آورد و زمینه مناسبی است برای رد و بدل کردن تجربیات فرهنگی بین کشورها و ناشرین شرکت‌کننده. اما این همه مسائل نیست و ایکاش همه مشکلات کتاب در کشور ما با تشکیل این‌گونه نمایشگاهها حل می‌شد.

واقعیت این است که امروزه بحران کتاب وجود دارد و نه تنها وجود دارد بلکه خیلی هم عمیق و حاد است، رکود نسبی کتاب که از اوائل تابستان سال ۷۰ بدنبال جزر و مدهای گذشته بر بازار کتاب حاکم شده است کمابیش (ایضاً با نوسانی) ادامه دارد؛ و چشم‌انداز کار نشر را تیره و تار کرده است.

با پشت سر گذاشتن سال ۷۰ و شروع سال ۷۱ مطابق معمول همیشه، انتظار - و شاید توقع - سرسبزی و گشایش در کار و همگامی با تحول در طبیعت در کار نشر نیز ناخودآگاه وجود داشت که متأسفانه با گذشت یک ماه و چند روز از سال جدید این امید مختصر نیز کم و بیش به یأس مبدل شد و عوامل ایجاد بحران کتاب نه تنها تخفیف پیدا نکردند بلکه به رشد خود نیز ادامه دادند.

عوامل اصلی این بحران را در دو عنوان می‌توان خلاصه کرد:
۱. گرانی کتاب. ۲. کمبود (یا نبود) عادت به مطالعه در مردم.

۱. گرانی کتاب و افزایش بهای ملزومات و خدمات چاپ

واقعیت این است که کتاب سوای وجه معنوی آن بهرحال نوعی کالا است که در چارچوب قوانین حاکم بر تولید در یک جامعه قابل تعریف است؛ یعنی مکانیزم بازار، اعم از قانون عرضه و تقاضا، تورم و... تماماً شامل کتاب هم می‌شود. و در این بحثی نیست. بحث این است که آیا بایستی اینگونه باشد یا خیر؟ آیا باید کتاب را در جامعه‌ای با مشخصات جامعه ما در چنین میدانی بحال خود رها کرد یا خیر؟

حال ببینیم یک کتاب تا به دست مصرف‌کننده برسد چه فرآیندی را طی می‌کند و کدام جزء آن طی سالهای گذشته عامل اصلی گران شدن بهای کتاب بوده است.

هزینه‌های تولید کتاب از ویرایش آغاز می‌شود. مرحله بعد حروفچینی، لیتوگرافی و چاپ و صحافی است، که در مرحله چاپ ناشر موظف به تهیه کاغذ و مقوا برای کتابش است. حق‌التألیف و سود ناشر و سود موزع و کتابفروش هم درصدی از قیمت کتاب را تشکیل می‌دهد.

- در سالهای گذشته هزینه ویرایش و مقابله رشد نامعقولی نداشته است بلکه شاید هم دارای آهنگی کندتر از درصد تورم بود و بهمین دلیل تأثیر منفی بر روی قیمت کتاب بجا نگذاشته است. تازه تعدادی از ناشرین بدون توجه به اهمیت ویرایش از انجام این کار سر باز می‌زنند.

- افزایش هزینه حروفچینی دارای بار بالقوه منفی برای کتاب بود که با ورود سیستم حروفچینی کامپیوتری به بازار ایران و استفاده مناسبی که از آن می‌شود، خوشبختانه به فعل درنیامد و هزینه حروفچینی که ۵-۴ سال پیش سرعت در حال افزایش بود از ۳-۲ سال پیش به اینطرف رشدی نداشته است.

- در مورد لیتوگرافی باید گفت که در مقاطعی توسط وزارت ارشاد فیلم و زینگ به قیمت دولتی در اختیارشان گذاشته می‌شد که متأسفانه مدتی است قطع شده و هزینه این بخش رشد زیادی داشته است. بخصوص بدلیل عدم نظارتی که بر قیمت‌ها وجود دارد کار بالا هم گرفته است. امروزه یک سانتیمتر مربع فیلم را در بازار آزاد به قیمت ۴۰ دینار می‌توان خریداری کرد. در حالیکه فاکتورهای صادره از طرف لیتوگرافی‌ها این ۴۰ دینار را تا ۳/۵ ریال نوشته‌اند (یعنی تقریباً ۸/۵ برابر) همچنین قیمت زینگ و اوزالید و دستمزد کپی فیلم بر روی زینگ که تقریباً دو

برابر سال گذشته شده است.

- هزینه چاپ کتاب نیز در طی چند سال گذشته افزایش زیادی داشته و می توان گفت هزینه آن طی دو سال گذشته به دو برابر افزایش پیدا کرده است. یعنی یک کتاب ۳۲۰ صفحه‌ای با قطع وزیری اگر تا دو سال پیش با ۳۰ هزار تومان چاپ می شد امروزه برای تجدید چاپ آن مبلغی در حدود ۶۰ هزار تومان به چاپخانه‌دار باید پرداخت. دلالی که برای این افزایش بی‌رویه بیان می‌شود، کمبود قطعات یدکی ماشینهای چاپ، بالا رفتن دستمزد کارگر، بالا رفتن قیمت مرکب و در کل هزینه زندگی و مسائلی از این دست است، که در این قسمت هم مثل قسمت لیتوگرافی ادارات مسئول تقریباً نقش نظارت بر قیمت را رها کرده‌اند و یا بهتر بگوئیم اگر چنین نقشی را بعهده داشتند دیگر ندارند.

- آخرین بخش هزینه‌های فرایند تولید کتاب را صحافی تشکیل می‌دهد. مگر می‌شود لیتوگراف و چاپخانه‌دار به دستمزدشان اضافه کنند و صحاف دست روی دست گذاشته نظاره‌گر این امر بمانند؟ اجرت صحافی یک جلد کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای رقیعی که تا دو سال پیش ۷۰ - ۶۰ تومان بود امروزه به ۱۲۰ - ۹۵ تومان بالغ گردیده. این رقم آنقدر غیرطبیعی است که برخی از ناشرین آگاه به زوایای کار معتقدند درصد بالایی از آن را سود خالص تشکیل می‌دهد.

۱۶۶

- کاغذ و مقوا مطرح‌ترین بحث گرانی کتاب در سالهای گذشته بود که بیش از همه فریاد ناشران را درآورد (وقتی کاغذ بندی ۲۰۰ تومان تا ۵۰۰۰ تومان در بازار آزاد قیمت پیدا کرد معلوم است که داد ناشر را در می‌آورد) و همگان کم و بیش از نوسانات قیمت آن و اثرات منفی که بر صنعت چاپ و نشر بجای گذاشت آگاهی دارند. بد نیست یادآوری شود که قیمت دولتی کاغذ در دو سال گذشته تقریباً دو برابر شده بود که در اواخر سال ۷۰ توسط وزارت بازرگانی (ظاهراً بدون هماهنگی با ارشاد اسلامی) از کیلوئی ۲۵ تومان به کیلوئی ۷۵ تومان افزایش قیمت داده شد یعنی دقیقاً بر خوردی با آن شد که - مثلاً - با همان قطعه یدکی نیشان می‌توان کرد. در این میان وزارت ارشاد اسلامی یکباره تصمیم گرفت از آغاز سال ۷۱ مبلغ ۲ درصد از بهای پشت جلد کتابها را از ناشر نقدی بگیرد و بعد اجازه ترخیص کتاب را بدهد (البته این کار مراحل قانونی خودش را هم طی کرده است). تعدادی کتابفروش هم که از زیر بار سنگین سود پائین سرمایه‌شان کمرشان خم شده بود تصمیم گرفتند (تصمیمی که در این شرایط وجود بحران اقتصادی کتاب چندان بجا نبود) دیگر کتابهایی را که پائین تر از ۲۰٪ برایشان تخفیف داشته باشد نپذیرند. این کار بتامی انجام نشد ولی همین شایعه افزایش ۵٪ به تخفیف کتاب (قبلاً سود کتابفروش دور و بر ۱۵٪ بود) از نظر روانی تأثیر خود را بخشید و باعث شد که اکثر ناشرین درصدی هم برای این مورد در نظر بگیرند. آنهایی که منصف‌ترند این افزایش را کمتر به کتاب

منتقل کردند - و یا می‌کنند - و بقیه بیشتر.

حالا کتابی که در اوّل این مطلب فرآیند تولید آن را بطور فرضی شروع کرده بودیم با توجه به قیمت‌های جدید تولید، توزیع و در کتابفروشی‌ها در معرض دید علاقمندان به کتاب قرار داده‌ایم. با این تذکر که این کتاب دارای قیمتی است که حداقل ۶۰٪ از قیمت کتاب مشابه در سال پیش بیشتر است.

تا اینجا دیدیم که کلیه عوامل تولید کتاب - از جمله پدیدآورنده یا مترجم آن - بدون توجه به پایان کار کلیه حق و حقوق خود را دریافت داشته‌اند. از ویراستار گرفته تا حروفچینی و لیتوگراف و چاپخانه‌دار و صحاف و اخیراً ارشاد اسلامی. اینکه این کتاب را ناشر بتواند بفروش برساند یا نه. اینکه کتابفروش که تعدادی از آن را خریداری کرد و این شانس را دارد که آنها را بفروشد یا نه. این داستان دیگری است.

۲. کمبود یا نبودن عادت به مطالعه در میان مردم

صنعت چاپ و نشر در کشورمان با توجه به سابقه آن در دنیا جوان است. از حدود ۱۵۰ سال پیش که اولین امکانات چاپ در کشورمان بوجود آمد کار زیادی برای کتاب‌خوان شدن مردم صورت نپذیرفت. در حالیکه میزان سالانه کتاب‌خوانی در بعضی کشورها به چندین روز در سال بالغ می‌شود این اندازه در کشورمان به چند دقیقه هم بزور می‌رسد. نبودن این انگیزه (عادت) برای خرید و خواندن کتاب باعث شده است که آن را بصورت یک کالای کشش‌ناپذیر درآورد. یعنی بمحض آنکه اتفاقی در جامعه بیفتد (مثل جنگ، گرانی و...) یکی از اولین عکس‌العمل‌های خانواده‌ها در محاسبات درونی‌شان قطع یا تقلیل بودجه کتاب است. نبود یک قشر استخواندار کتابخوان موجب نوعی عدم امنیت اقتصادی برای ناشر - کتابفروش می‌شود که در کنار آن فقدان ضوابط مدون فرهنگی را هم داریم که مزید بر علت شده تا ناشران محتاطانه‌تر و جمع و جورتر حرکت کنند؛ و این اثرات منفی بیشتری بر کتاب وارد می‌سازد.

اهم دلائل کمی عادت به مطالعه را شاید بتوان در چهار عنوان خلاصه کرد:

الف. کمی اوقات فراغت (به دلیل مشکلات مالی و گرانی‌ها).

ب. دغدغه‌ها و اشتغالات ذهنی (ناشی از زندگی شهرنشینی).

ج. نبودن برنامه‌ریزی صحیح و تبلیغ برای کتابخوانی.

د. گزینش غلط بعضی از ناشرین. که بخشی از این امر به دلیل نبودن یک سیاست مدون

فرهنگی است.

بحران امروزی کتاب و صنعت نشر نتیجه همسوئی دو عامل فوق‌الذکر است، - گرانی

کتاب و کمی عادت به مطالعه در مردم - که به احتمال زیاد می‌توان گفت روزهای بدتری را هم در پیش رو دارد. ناشر - کتابفروشی را در نظر بگیرید که در خیالات خود به روزی فکر می‌کرد که موقع گشودن در مغازه‌اش با صف درازی از مشتاقان خرید کتاب مواجه خواهد شد و به روزی می‌اندیشید که تیراژ کتابها در یک کشور ۶۰ میلیونی در حول و حوش ۳ هزار نسخه به ۳۰ و یا شاید ۵۰ هزار نسخه برسد. و حالا در عالم واقعیت چه می‌بیند: گرانی بی‌رویه کتاب و کمبود عادت به مطالعه آن را به صورت یک جزء غیر ضروری زندگی مردم درآورده است. و باعث شده آنچنان فروشگاهش سوت و کور شود. برای اینکه رؤیای این ناشر - کتابفروش به تحقق پیوندد چه بایستی کرد؟

راه‌حلها عمدتاً بر دو بخشند: کوتاه‌مدت و بلندمدت.

سیاستهای کوتاه‌مدت - در این مرحله کلیه سیاستها حتی الامکان بایستی در جهت ارزانتر کردن کتاب و بخشیدن ثبات و امنیت شغلی به ناشرین عمل کند که اهم آنرا می‌توان اینگونه برشمرد:

الف. لغو قانون ۲ درصد. وجهی که ارشاد اسلامی از اوّل سال ۱۳۷۱ هنگام دادن برگ ترخیص کتاب از چاپخانه از ناشرین می‌گیرد و برگرداندن قیمت کاغذ دولتی - حداقل - به مبلغی که در سال ۱۳۷۰ بود.

ب. تثبیت سیاست فرهنگی. با وجود بودن قانون اساسی و سیاستهای تصویب شده شورای عالی و انقلاب فرهنگی، ظاهراً هنوز توسط بعضی از ارگانها به سیاستهای در پیش گرفته شده توسط ارشاد ایراد گرفته می‌شود.

ج. تزریق سریع سرمایه از طریق دادن وام‌های کم‌بهره. ناشری که با یک میلیون تومان سرمایه در سال ۱۳۶۴ می‌توانست ده عنوان کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای چاپ کند در سال ۱۳۶۹ با این پول پنج عنوان و در سال ۱۳۷۱ فقط دو عنوان کتاب می‌تواند به چاپ برساند. بنابراین این ناشر برای اینکه بتواند همان ده عنوان کتاب سال ۱۳۶۴ را در سال ۱۳۷۱ به بازار عرضه کند بایستی سرمایه‌ای معادل پنج برابر سرمایه آن زمان داشته باشد و این با سود کمی که در این بخش اقتصادی وجود دارد تنها با استفاده از سیستم بانکی عملی است.

د. دادن جواز لیتوگرافی، چاپخانه و صحافی به افراد واجد شرایط از نظر ارشاد و در اختیار گذاشتن مواد اولیه و قطعات یدکی ماشین‌آلات و بالطبع خواستن از آنها به رعایت تعرفه دولتی که با مطالعه کافی و در نظر گرفتن تمامی جوانب تعیین می‌شود.

ه. لغو مالیات حق بیمه و عوارض شهرداری و هرگونه عوارض بر صنعت نشر؛ حداقل تا زمان رونق این صنعت. این امر ممکن است باعث جذب سرمایه‌های تازه‌ای به این بخش بشود.

سیاست‌های بلندمدت

الف. اتخاذ و اجرای سیاست‌های تشویق به کتابخوانی با استفاده از کلیه امکانات موجود. امکانات بالقوه فراوانی برای کتاب خواندن در مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها وجود دارد که با برنامه‌ریزی صحیح وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و ایجاد کتابخانه‌هایی در مقاطع مختلف آموزشی که دارای کتابهای روز باشند می‌توان جاذبه‌های لازم را برای بهره‌جویان بوجود آورد. در نظر گرفتن ساعات یا واحدهای مطالعه؛ نمره دادن و تشویق کسانی که مطالعه می‌کنند. اختصاص بن خرید کتاب برای کارمندان ادارات مختلف. ساختن و په نمایش درآوردن میان‌پرده‌های تلویزیونی و راههای دیگری که با پیگیری مشخص خواهد شد، می‌تواند برای رسیدن به این هدف کمکهای شایانی باشند.

ب. ایجاد کتابخانه‌های پراکنده کوچک در محلات و خیابان‌های مختلف. بچه‌های ما سرمایه‌های آینده میهن‌مان هستند؛ اگر از ضعفشان در برخورد با تهاجم فرهنگی غرب، نوارهای مبتذل، مواد مخدر و دیگر مسائلی ازین دست نگرانیم راه برطرف کردن این ضعف کمک به پیدا کردن هویت فرهنگی و شخصیت علمی توسط آنان است. گرانی کتاب، نخواندن کتاب و ضعف صنعت نشر در کشورمان جامعه را به جامعه‌ای بیدفاع در برابر هرگونه خزعبلات فرهنگی مبدل خواهد کرد. بی‌توجهی امروزمان به این امر مهم ممکن است دریغ فردایمان را به دنبال داشته باشد.

